



معرفی طرح‌های
مهارت و اشتغال
دانش‌آموختگان
علوم انسانی





نشانی مجازی

<http://www.ihcs.ac.ir/tarheeatela/fa>

رایانامه

etela@ihcs.ac.ir

tarh.etela@gmail.com

دبیرخانه طرح

نشانی: تهران - بزرگراه کردستان - پایین تر از خیابان ۶۴ شرقی
کوچه احدائی پلاک ۶، ساختمان فرهنگ، طبقه ۵.

شماره تماس

۲۳۹ ۸۸۰۵۴۴۲۳ داخلی

فهرست مطالب

- چشم انداز طرح جامع اعتلاء؛ طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور در یک نگاه ۷
- مقدمه ۸

- طرح های پایان یافته در موضوع مهارت و اشتغال دانش آموختگان رشته های علوم انسانی ۹
- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته علوم اجتماعی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / محمدسالار کسرائی، آتنا غلام نیارمی ۱۰
- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته علوم تربیتی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / سید روح الله شهبایی ۱۲
- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته فلسفه و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / مالک شجاعی جشوقانی ۱۴
- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته باستان شناسی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / دکتر مهسا ویسی ۱۶
- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته زبان و ادبیات فارسی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / یعقوب انتظاری ۱۷
- طرح های در دست اجرا در موضوع مهارت و اشتغال دانش آموختگان ۱۹
- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته روان شناسی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / اسماعیل ناصری ۲۰



- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته مدیریت (مدیریت صنعتی) و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / بهروز درّی ۲۱
- بازخوانی انتقادی آموزش رشته تاریخ در ایران: تأسیس و توسعه رشته؛ مهارت و اشتغال دانش آموختگان / علیرضا ملایی توانی ۲۲
- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته علوم سیاسی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / عبدالرحمن حسنی فر ۲۳
- بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته فلسفه و کلام اسلامی (حوزه الهیات) و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان / دکتر طاهره کمالی زاده ۲۴

- فراتحلیل مجموعه طرح های طرح جامع اعتلاء با موضوع مهارت و اشتغال دانش آموختگان علوم انسانی ۲۵
- نسبت تحصیل و مهارت و اشتغال در رشته های علوم انسانی ۲۸ (با عطف توجه به برنامه های درسی این رشته ها) / مجری طرح: دکتر عبدالرحمن حسنی فر ۲۶

- طرح های آماده برای دریافت پیشنهاد انجام در موضوع مهارت و اشتغال دانش آموختگان رشته های علوم انسانی ۲۸
- بررسی و تحلیل وضع موجود رابطه تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته های علوم انسانی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، آسیایی و مسلمان ۲۹
- بررسی و تحلیل و اشتغال دانش آموختگان در رشته های علوم انسانی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، آسیایی و مسلمان ۳۰
- بررسی مشاغل دانش آموختگان در رشته های علوم انسانی در کشورهای پیشرفته به ویژه اروپایی و آمریکای شمالی و غیره و امکان بازآفرینی آنها در ایران ۳۱





طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور در یک نگاه

- طرح جامع اعتلاء شامل مجموعه طرح های پژوهشی مبنایی، راهبردی، کاربردی، مسأله مدار و چالش محور است که با جهت گیری بومی گرایانه و منطبق با ارزش های دینی و فرهنگی ایرانی، به صورت روشمند انجام می شود.
- گزارش های مدیریتی برای ذینفعان،
 - گزارش های راهبردی،
 - توصیه های سیاستی،
 - گزارش های علمی ملی،
 - فراتحلیل های علمی،
 - کتاب،
 - انواع مقاله،
 - نشست های نخبگانی،
 - جلسات علمی، و ...
- در ایران منتشر و در دسترس ذی نفعان قرار می گیرد.
- طرح اعتلاء در مسیر عملیاتی کردن راهبردها و سیاست های برنامه راهبردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و تحقق مصوبه و ماموریت ویژه هیات امناء پژوهشگاه طراحی شد و با مشارکت اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و نخبگان علمی کشور انجام می گیرد.
- خروجی های این طرح به صورت منظومه ای از فعالیت های نظری، راهبردی، کاربردی، توسعه ای و ترویجی،

چشم انداز طرح جامع اعتلاء

ارتقاء اثربخشی علوم انسانی بر پیشرفت و توسعه کشور و بسترسازی برای افزایش تاثیر علوم انسانی در عرصه های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و افزایش کارآمدی فارغ التحصیلان علوم انسانی.





مقدمه

به پیشرفت کشور کرده است. با توجه به این مباحث و بسیاری موارد دیگر، مجموعه طرح هایی ذیل مسئله «تحصیل و مهارت و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان علوم انسانی» طراحی شد که تعدادی از آنها از سوی متخصصان و صاحب نظران علوم انسانی کشور به عنوان مجری انتخاب و در دست انجام است. این مجموعه حاضر به معرفی مختصر این طرح ها در قالب عنوان تعدادی از طرح ها و چکیده و آخرین وضعیت اجرای طرح اختصاص دارد. به امید آنکه این مجموعه تلاش ها بتواند در حل اجزایی از این چالش مهم کشور در حوزه علوم انسانی یاری بخش باشد.

دبیرخانه طرح جامع اعتلای علوم انسانی
معطوف به پیشرفت کشور

مسئله نسبت بین مهارت و تحصیل از یک سو و اشتغال دانش آموختگان علوم انسانی از جمله مهمترین مسائل رایج در جامعه علمی کشور است. معمولاً بالا بودن میزان جویندگان کار و بیکاری گسترده در کنار کمبود شغل در ارتباط با رشته تحصیلی در میان دانش آموختگان علوم انسانی راز جمله نشانه های کاربردی نبودن راز رشته های گوناگون علوم انسانی و دلیل سردرگمی دانش آموختگان برای جذب در جایگاه های شغلی مناسب عنوان می کنند

این موارد از جمله مسائل اساسی و محوری در علوم انسانی است و به دلیل این ضرورت ها و نیازها پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اقدام به اجرای مجموعه ای از طرح های پژوهشی در مورد چرایی و ریشه یابی نظری، تاریخی و کاربردی این چالش مطرح شده در قالب طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف





طرح های پایان یافته در موضوع

مهارت و اشتغال دانش آموختگان
رشته های علوم انسانی

بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته علوم اجتماعی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان

محمدسالار کسرای، آتنا غلام نیارمی

آن دست یافت. این ارزیابی، گامی مهم و موثر در جهت اعتلای نظام آموزشی کشور و برآوردن شدن صحیح نیازهای جامعه نیز خواهد بود. بنابراین واکاوی برنامه آموزشی هر رشته علمی به ویژه از حیث بررسی نسبت علم و مهارت در آن و نیز بررسی محتوای دروسی که به ارتقای مهارت افزایی در راستای اشتغال دانش آموختگان می انجامد، از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با بررسی و تحلیل تاریخی رشته علوم اجتماعی و برنامه‌های آموزشی آن در ایران می توان روند این رشته دانشگاهی را از آغاز پیدایش تا امروز مورد ارزیابی قرار داد و با این ارزیابی می توان به نقاط قوت و ضعف، کاستی‌ها و پیشرفت‌ها، موانع و چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، مسائل

در هر نظام آموزشی، یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت و اعتلای علوم و رشته‌های دانشگاهی مربوط به آن، بررسی و ارزیابی مستمر برنامه‌های آموزشی آن رشته علمی به ویژه از حیث مهارت افزایی دانش آموختگان است. برنامه آموزشی، حلقه اتصال دانشجویان و فراگیران هر رشته تحصیلی، به دانش و مهارت بوده و بستری است که دانش آموختگان در آن با کسب تخصص‌های لازم، برای ورود به بازار کار آماده می‌شوند. با ارزیابی مداوم و مستمر برنامه‌های آموزشی یک رشته دانشگاهی می توان به میزان مهارت‌افزایی، تخصص‌گرایی و کاربردی بودن آن پی برد و به شناختی از تناسب آن با نیازهای جاری کشور و بازار تقاضای



سیاست گذاری های آینده در این حوزه خواهد نمود.

از یافته های این پژوهش می توان در تدوین برنامه ریزی های کلان آموزشی برای رشته علوم اجتماعی و پیشرفت آن و همچنین دستیابی به کارکردهای این رشته و انطباق آن با نیازهای آموزشی، اجتماعی و فرهنگی کشور بهره گرفت. از نتایج به دست آمده در این پژوهش می توان اشکالات، موانع و چالش های موجود بر سر راه رشته علوم اجتماعی در ایران را در روند تاریخی اش استخراج کرده و از این تجربه تاریخی در جهت توانمندسازی و اعتلای این رشته در ایران استفاده کرد.

و اشکالات این رشته در بستر و زمینه اجتماعی، فرهنگی و دانشگاهی کشور ایران دست یافت. با استخراج این مولفه ها، شناختی دقیق تر و عمیق تر از وضعیت گذشته و موجود این رشته حاصل و امکان دسترسی به پتانسیل های بالقوه این رشته فراهم می گردد. با این دسترسی می توان گامی در جهت توانمند ساختن هر چه بیشتر رشته علوم اجتماعی برداشت و در هر دو سطح فردی و اجتماعی با شناسایی موفقیت های نظری، گفتمانی و نهادی آن در جهت اعتلا و ارتقای علوم انسانی و معیارهای تحول و ارتقای علوم اجتماعی بهره برد. از آنجا که این علم با انسان و جامعه سروکار دارد، اعتلای آن به پیشرفت فرد، جامعه و کشور خواهد انجامید.

از سوی دیگر، با شناخت و بررسی میزان مهارت افزایی دانش آموختگان این رشته و بررسی وضعیت اشتغال آنان و نسبت این دو مولفه مهم با یکدیگر، می توان به راه کارهایی در جهت بهبود وضعیت دانش آموختگان دست یافت. یافتن نسبت میان تحصیل، مهارت آموزی و اشتغال دانش آموختگان رشته علوم اجتماعی کمک شایانی به برنامه ریزی و



بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته علوم تربیتی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان

سید روح الله شهابی

دانسته‌اند که شرایط وجود، کارکرد و تحول وضعیات و وقایع تربیتی را مطالعه می‌کند (میالاره، ۱۳۹۴: ۲۲).

سؤال اساسی که در اینجا مطرح می‌شود، موضع علوم تربیتی در کشور ما از حیث موضوعات کلی یاد شده در بالا و گذشته، حال و آینده آن است. به نظر می‌رسد در کشور ما، عملکرد «تربیت» و یا آموزش و پرورش، فرایند تغییر مطلوب رفتار آدمی دیده شده است و بر این اساس «دانش آموزش و پرورش» و یا «علوم تربیتی» مجموعه معارفی خواهد بود که محصول پژوهش و اندیشیدن راجع به امور مربوط به این عملکرد یا فرایند است (گروه علوم تربیتی سمت، نقل از جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۱). دوره نخست آموزش علوم تربیتی در

دشواری در فهم چیستی و ماهیت علوم انسانی، به تعریف چیستی و ماهیت موضوع‌های علوم انسانی نیز تعمیم یافته است و به همین دلیل در تعریف علوم تربیتی به عنوان یکی از موضوع‌های علوم انسانی، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی مبتنی بر پارادایم اول، آن را مشاهده، واری، مقایسه و آزمایش‌هایی دانسته‌اند که درباره وقایع تربیتی به عمل آمده و ارائه می‌شوند تا قوانینی را به دست دهند که در همه حال و بر اثر اثبات، صحت آنها امکان‌پذیر باشد، برخی (تا حدودی مبتنی بر پارادایم دوم) آن را پداگوژی نامیده و در تعریف، آن را بحث و مجادله درباره اصول و روش‌های آموزش و پرورش دانسته‌اند (نقل از کاردان، ۱۳۵۵: ۷۶) و برخی دیگر آن را مجموعه معارفی



و تربیت اسلامی و تغییر هدف‌گائی آموزش و پرورش بوده است. در این دوره با بازنگری و بازسازی برنامه‌های درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دگرگونی‌های وسیعی صورت گرفته است با این حال آنچه باید مورد بررسی قرار گیرد و آن را می‌توان هدف کلی اثر حاضر قلمداد نمود، برنامه آموزشی این رشته و سیر تحول آن، روند پژوهشی، مبانی فکری و معرفتی، مناسبات با تحولات کشور و رهیافت‌های علمی مطالعه این رشته در طی ۳ دوره تاریخی یاد شده است.

کشور را می‌توان یک دوره کوتاه‌مدت از تاسیس «دارالمعلمین مرکزی» در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی تا سال ۱۳۱۳ و تاسیس دانشگاه تهران دانست. تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ را می‌توان شروع دوره دوم آموزش علوم تربیتی در کشور دانست که تا پیروزی انقلاب اسلامی تداوم داشته است. این روند تا سال ۱۳۴۴ و استقلال دانشکده علوم تربیتی ادامه یافت. این استقلال همزمان با استقلال آموزش علوم تربیتی از آموزش فلسفه بود. بر این اساس، کشور ما پیش از کشورهای پیشرفته‌ای مانند فرانسه به علوم تربیتی جنبه دانشگاهی داده است. تاسیس دانشسراهای مقدماتی و مراکز تربیت معلم، و آموزش رشته‌های علوم تربیتی در سایر دانشگاه‌های تازه تاسیس کشور مانند دانشگاه شیراز از مهمترین تحولات این دوره بوده است.

دوره سوم از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز و تاکنون ادامه داشته است. در این دوره با پیروزی انقلاب اسلامی در مسیر آموزش و پژوهش علوم انسانی در کشور تحولات گسترده‌ای از حیث روشی، موضوعی و معرفتی اتفاق افتاده است که شاید مهمترین آن توجه به تعلیم



بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته فلسفه و نسبت آن با اشتغال دانش‌آموختگان

مالک شجاعی جشوقانی

و انجمن‌هایی نیز با این نام شکل گرفته است، اما به جریان تعریف شده‌ای در نظام آموزش عالی تبدیل نشده است. عوامل متعددی در غلبه این رویکرد بر شمرده شده است که از جمله آنها می‌توان به اولویت داشتن تأمین نیازهای جامعه برای تربیت نیروهای متخصص، محدودیت منابع مالی برای تربیت متخصصان و نیز مسئله اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های دانشگاهی اشاره کرد. واقعیت آن است که رشد و توسعه حرفه‌ای رشته فلسفه بیش از آن که به ارتباط فلسفه با جامعه منتهی شده باشد، به توسعه بیشتر شبکه افرادی که به فعالیت فلسفی مشغول می‌شوند انجامیده است. همین مسئله است

امروزه کاربردی کردن دانش به رویکرد غالب در سیاست‌گذاری آموزش عالی تبدیل‌شده است. در این میان، کاربردی کردن علوم نظری از دشواری و پیچیدگی خاصی برخوردار است، زیرا تقسیم‌بندی علوم به نظری و کاربردی، این دو را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد. با این حال مدت‌هاست علمی همچون فیزیک، شیمی و ریاضیات، که از علوم پایه محسوب می‌شوند، به کاربردی و نظری تقسیم شده و در مؤسسه‌های آموزش عالی نیز به صورت رشته‌های مجزا ارائه می‌شوند. در این میان تقسیم فلسفه به نظری و کاربردی، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اصطلاح فلسفه کاربردی اگرچه توسط برخی محققان به کار رفته



تاسیس دانشگاه تهران تاکنون در مقاطع و گرایش‌های گوناگون آن.

۳. بررسی وضعیت نیروی کار دانش‌آموخته رشته فلسفه به لحاظ کمی و کیفی از آغاز تأسیس رشته تاکنون.

۴. ارائه راه‌حلهائی برای غلبه به بحران و اشتغال دانش‌آموختگان رشته فلسفه.

که سرمایه‌گذاری در توسعه آموزش و پژوهش فلسفی را به چالش کشیده است.

معهدنا ضرورت دارد که ضمن بررسی تاریخی زمینه‌ها و خاستگاه ورود رشته فلسفه غرب به ایران، تطورات و تحولات برنامه‌ریزی آموزشی و سرفصل‌ها و منابع آموزشی فلسفه جدید غربی در دانشگاه‌های ایران از منظر مهارت‌آفرینی مورد بررسی قرار گیرد. از همین‌رو این طرح درصدد است با بررسی تاریخی تحولات رشته فلسفه غرب و نیز تحلیل انتقادی برنامه‌های آموزشی، سرفصل‌ها و متون آموزشی فلسفه غرب در دانشگاه‌های ایران از حیث مهارت‌افزایی دانشجویان رشته فلسفه، به ارزیابی مسأله اشتغال دانش‌آموختگان آن در مقاطع گوناگون تحصیلی از آغاز تا کنون بپردازد و راه‌کارهائی به منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بهتر در این رشته ارائه دهد. اهداف پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. بررسی و تحلیل دلایل عمده تأسیس و توسعه رشته فلسفه در دانشگاه‌های ایران و درک رویکردهای اصلی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی آن.
۲. شناخت رابطه علم و مهارت در برنامه‌های آموزشی رشته فلسفه از



بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته باستان‌شناسی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان

دکتر مهسا ویسی

آن چه در سطح دانشگاه‌های کشور تحت عنوان یا زیر پوشش آموزش رشته باستان‌شناسی تدریس می‌شود بیشتر یک شبه باستان‌شناسی یا صورتی از باستان‌شناسی است تا باستان‌شناسی به مثابه پیکره‌ای از تخصص‌ها، دانش‌ها و رشته‌های اصیل دانشگاهی. ضرورت این پژوهش را می‌توان در چارچوب ضرورت تحول و اعتلای علوم انسانی در کشور بررسی کرد. ناکارآمدی علوم انسانی موجود در انطباق با نیازهای امروزی جامعه، تحول در علوم انسانی و اعتلای آن را ضروری ساخته است. این ضرورت در باستان‌شناسی که موضوع و هدف آن رابطه مستقیم با هویت و اصالت فرهنگی جامعه دارد نیز بسیار ضروری است. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی علل و تاریخچه شکل‌گیری رشته باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران، تحولات برنامه‌های آموزشی، روندهای توسعه و مبنای فکری نظری این رشته و نسبت با مسئله مهارت و اشتغال دانش آموختگان است.

برنامه‌های آموزشی هر رشته دانشگاهی ارتباط مستقیمی با میزان مهارت دانشجویان آن رشته و پس از آن اشتغال آنها دارند. اگر به موضوع باستان‌شناسی به عنوان یک رشته دانشگاهی بنگریم، باستان‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم انسانی است که در کشور همچون سایر رشته‌های علوم انسانی با مشکلات عمده‌ای دست به گریبان است. به نظر می‌رسد یکی از عمده‌ترین و بنیادی‌ترین ضعف‌های علوم انسانی در ایران به مسأله مهارت‌آفرینی و کاربرد این علوم برمی‌گردد. بیشتر تحصیل‌کردگان از کاربرد و ماهیت رشته‌هایی مانند فیزیک، شیمی، پزشکی و اقتصاد و مانند آنها، پنداری به نسبت روشن دارند. اما پندار و درک آنها از بسیاری از دیگر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی یا مبهم است یا نادرست. شناساندن باستان‌شناسی و تاریخ و اهمیت آنها فقط در سطحی گسترده می‌تواند به پیشبرد این رشته‌های علوم انسانی کمک کند (علیزاده ۱۳۸۰: ۶۱-۵۸).





رشته زبان و ادبیات فارسی در ایران

بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته زبان و ادبیات فارسی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان

یعقوب انتظاری

هدف طرح حاضر بررسی و تحلیل کمیت و کیفیت عرضه آموزش عالی (محتویات برنامه های درسی، آموزشی و مبانی فکری رشته ادبیات فارسی)، کمیت و کیفیت عرضه و تقاضای نیروی انسانی ادبیات فارسی است. برای این منظور از یک روش تحقیق آمیخته (کیفی و کمی) استفاده خواهد شد. از تحقیق کیفی برای استخراج و ارزیابی مهارت های اشتغال پذیری در رشته ادبیات فارسی استفاده خواهد شد. از تحقیق کمی نیز برای تعیین سطح عرضه و تقاضای قابلیت های اشتغال و تعیین شکاف آنها در این رشته استفاده خواهد شد.

پرسش های تحقیقه شرح زیر ارائه می شود:

۱- کمیت و کیفیت عرضه و تقاضای رشته زبان و ادبیات فارسی از سال ۱۳۷۵ تا کنون چه تغییری کرده است؟

۲- زمینه های مناسب (فعالیت ها و شغل

ها) برای اشتغال دانش آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی کدامند؟

۳- فعالیت ها و شغل های مربوط به اشتغال دانش آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی از سال ۱۳۷۵ تا کنون چه تغییری کرده است؟

۴- دانشگاه های ایران در رشته زبان و ادبیات فارسی چه نوع مهارت هایی را و چه سطحی از آنها را عرضه می کنند؟

۵- دانشگاه های ایران در رشته زبان و ادبیات فارسی چه نوع مهارت هایی را و چه سطحی از آنها را باید عرضه کند؟

۶- بخش ها و صنایع مربوطه، چه نوع و سطحی از مهارت ها را از دانش آموختگان رشته ادبیات فارسی تقاضا می کنند؟

۷- چه شکافی بین عرضه و تقاضای مهارت ها در رشته زبان و ادبیات فارسی وجود دارد؟

۱- کمیت و کیفیت عرضه و تقاضای رشته زبان و ادبیات فارسی از سال ۱۳۷۵ تا کنون چه تغییری کرده است؟

۲- زمینه های مناسب (فعالیت ها و شغل





- ۸- برای کاهش شکاف یاد شده چه راهبردها و راهکارهایی می توان ارائه داد؟
- هدف نهایی و اصلی طرح حاضر پیشنهاد اصلاحات مناسب در برنامه های درسی برای بهبود مهارت های اشتغال پذیری دانش آموختگان رشته ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد است.
- از نتایج تحقیق می توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ۱- توسعه اشتغال اثربخش و ثمربخش دانش آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی
 - ۲- افزایش دانش اطلاعات و آگاهی متقاضیان رشته زبان و ادبیات فارسی
 - ۳- افزایش دانش اطلاعات و آگاهی عرضه کنندگان رشته زبان و ادبیات فارسی
- ۴- افزایش دانش، اطلاعات و آگاهی سیاست گذران رشته زبان و ادبیات فارسی
- در نهایت نتایج طرح به شرح زیر است:
- ۱- اصلاح برنامه های درسی و آموزشی رشته زبان و ادبیات فارسی
 - ۲- توسعه نوآوری و کارآفرینی فرهنگی واجتماعی
 - ۳- توسعه کارآفرینی در صنایع فرهنگی و خلاقیت



طرح های در دست اجرا در موضوع

مهارت و اشتغال دانش آموختگان
رشته های علوم انسانی



رشته روان‌شناسی در ایران

بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته روان‌شناسی و نسبت آن با اشتغال دانش‌آموختگان

اسماعیل ناصری

تاریخی و روش گردآوری داده‌ها به شکل اسنادی و مصاحبه است. همچنین تلاش می‌شود با توجه به یافته‌های این پژوهش، منابعی مستند و معتبر و مناسب نیازهای آموزشی دانشجویان روان‌شناسی و دیگر پژوهشگران، در این بخش تالیف شود. در حال حاضر دانشجویان رشته روان‌شناسی هیچ‌گونه دانش مستند و معتبری درباره تاریخچه و مشاهیر روان‌شناسی در ایران ندارند و اندک اطلاعات آنها در این زمینه کاملاً شفاهی یا مبتنی بر جستجوهای اینترنتی است، و لذا تدوین منابعی مستند و معتبر در این زمینه بسیار ضروری است و می‌تواند به یکی از عمیق‌ترین نیازهای شناختی دانش‌آموختگان و علاقه‌مندان رشته روان‌شناسی در ایران پاسخ دهد.

دستاوردهای این تحقیق می‌تواند هم در برنامه‌های آموزشی و هم پژوهشی و هم نهادسازی علمی در این رشته کمک کند و دستورهای سیاستی برای مقامات و نهادهای برنامه‌ریزی کشور صادر نماید.

تاریخچه روان‌شناسی به عنوان یک گرایش علمی پیوسته شاهد تغییرات زیادی بوده است و بین صاحب‌نظران این حوزه اختلاف نظر فراوانی در موضوعات مورد مطالعه و روش‌های پژوهش وجود دارد. برای فهم درست آنچه در حال حاضر روان‌شناسی هست، نیاز به مطالعه و بررسی سیر پیدایش مکاتب و رویکردهای گوناگون روان‌شناسی و به طور کلی تاریخچه روان‌شناسی است. منابع مستند و معتبر موجودی که در این واحد درسیغالباً به دانشجویان ایرانی معرفی می‌شوند کاملاً ترجمه کتب درسی دانشگاهی آمریکایی و یا اروپایی است. به طور طبیعی، در این منابع هیچ اشاره‌ای به تاریخچه و سیر پیدایش روان‌شناسی به عنوان یک گرایش علمی دانشگاهی در سایر کشورها از جمله ایران نمی‌شود. هدف از انجام این پژوهش بررسی تاریخچه و سیر پیدایش روان‌شناسی نوین در ایران است. روش تحقیق در این پژوهش،



بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته مدیریت (مدیریت صنعتی) و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان

بهر روز درّی

مهم در رشته‌هایی همچون مدیریت از حساسیت‌های بیشتر برخوردار است. سهم رشته‌های مدیریت از مجموعه دانشجویان و دانش‌آموختگان با حداقل ۱۰٪ کل جمعیت دانشجویی و نیاز بازار کار، حساسیت ایجاد تناسب بین دانش و مهارت با نیاز سازمان‌ها را روزافزون نموده است.

این طرح به دنبال آن است که با بررسی نسبت بین دانش و مهارت مکتسبه و شرایط و کیفیت اشتغال دانش‌آموختگان مدیریت، مسائل مهم هر دو برنامه‌ریزی آموزشی و نحوه اجرای آن و نیز نیاز سازمان‌ها و مراکز حرفه‌ای کشور را در نمونه‌های معتبر احصاء و راهکارهایی برای اثربخشی برنامه‌ها و نیز آماده‌سازی‌سازمانه‌ها برای جذب دانش‌آموختگان ارائه نماید.

رشد فزاینده آموزش عالی کشور و افزایش نسبی جمعیت دانشجویی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، انتظار تأمین نیازهای جامعه را در تمامی عرصه‌های علمی و تخصصی افزایش داده است. برنامه‌ریزی آموزشی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزش عالی از جمله اقدامات راهبردی است. برنامه‌ریزی مناسب آموزشی برای آماده‌سازی و ایفاء نقش مؤثر دانش‌آموختگان در موقعیت‌های شغلی در بخش‌های دولتی و خصوصی نیازمند توجه توأمان به دانش‌افزایی و کسب مهارت است.

توجه به هر دو بعد آموزش و مهارت در غالب برنامه‌های آموزشی و لو اینکه در طراحی برنامه‌ها ملاحظه شود، لیکن در اجرای برنامه‌ها باکاستی‌ها و موانعی روبرو است. از طرف دیگر، نیازهای سازمان‌ها، انتظاراتی را از جامعه علمی و دانشگاهی همواره مطرح می‌کند که پاسخگویی به آنها نیازمند بررسی دقیق است. این



بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته تاریخ و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان

علیرضا ملایی توانی

و مستمر برنامه‌ها و کارکردهای آموزشی آن متناسب با نیازهای کشور سخن براند با توجه به آنچه گفته شد، سه محور اصلی در این پژوهش مورد مطالعه قرار خواهد گرفت: ۱- بازخوانی تاریخ رشته تاریخ در ایران و برنامه آموزشی آن ۲- بررسی مهارت‌های موجود در برنامه‌های آموزشی این رشته ۳- بررسی اشتغال دانش آموختگان این رشته. این پژوهش با بررسی ابعاد سه‌گانه پیش‌گفته، قصد دارد راه‌کارهایی در جهت افزایش مهارت و بهبود اشتغال دانش آموختگان این رشته ارائه دهد. در این پژوهش گردآوری داده‌ها، از رهگذر اسناد و مدارک آرشیوی، منابع کتابخانه‌ای و نیز مصاحبه‌های با متخصصان و صاحب‌نظران فراهم خواهد آمد. شیوه‌پردازش داده‌ها نیز توصیفی و تبیینی خواهد بود.

پویائی رشته‌های دانشگاهی در گرو نقد مستمر برنامه‌ها، کارکردهای آموزشی و وضعیت دانش آموختگان آن‌ها با هدف اصلاح فرایندهاست تا به ارتقاء علمی کشور و اعتلای نهاد دانشگاه بیانجامد. مسئله اصلی این طرح، بررسی و تحلیل تاریخی وضعیت برنامه‌های آموزشی از حیث مهارت‌افزایی دانشجویان رشته تاریخ و اشتغال دانش آموختگان آن در مقاطع گوناگون تحصیلی از آغاز تا سال ۱۳۹۵ است. به همین منظور، این طرح می‌کوشد، با نگاهی نقادانه به تاریخ فعالیت‌های آموزشی رشته تاریخ در ایران از تأسیس آن با نام رشته «تاریخ و جغرافی» در دانشگاه تهران از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۹۵، به ارزیابی کارنامه رشته تاریخ از منظر کاربردی بودن برنامه‌های آموزشی و کاربرد دانش آموختگان آن از جهت مهارت و اشتغال پردازد و از ضرورت بازنگری‌های هدفمند، واقع‌بینانه





رشته علوم سیاسی در ایران

بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته علوم سیاسی و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان

عبدالرحمن حسنی فر

دانش آموختگان در درون آن احتمالا می توانند تخصص های لازم را پیدا کنند و احتمالا برای ورود به بازار کار هم مهیا شوند.

بررسی و تحلیل محتوای مفاد آموزشی تحصیلی و نیازهایی که در دوره های مختلف تاریخی در ارتباط با تحصیل در رشته علوم سیاسی مطرح بوده بعلاوه مباحثی که در ارتباط با دانشگاه به طور عام و رشته علوم سیاسی به طور خاص ذکر شده به ویژه از حیث مهارت هایی که بر آن از جنبه تاریخی مترتب بوده و ایجاد کرده یا می تواند ایجاد کند، هدف مطالعاتی این طرح است. افزون بر این، بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان این رشته از بدو تأسیس آن و تحولاتی که تا به امروز رخ داده است، از دیگر مباحث مورد مطالعه این طرح خواهد بود.

در نظر داشتن مهارت در رشته های علوم انسانی معانی متفاوتی دارد و صرفا بحث داشتن تخصص برای بازار کار و اشتغال نیست؛ معنای آن می تواند معطوف به مهارت های فرهنگی و تفکری هم باشد که مستقیما برای اشتغال یابی بکار نمی آید. مهارت به معنای داشتن تخصص و توانایی و هر گونه مهارت دیگری که مترتب بر هر یک از رشته های علوم انسانی است می تواند موضوعی قابل بررسی و کندوکاو باشد.

در ارتباط با مهارت، محتوای آموزش و درس ها از یک طرف و نیازهای زمینه ای و بستری که جنبه تاریخی دارد از طرف دیگر در کنار بحث های مترتب بر دانشگاه و ویژگی های یک رشته که می تواند از هر جایی ناشی شده باشد، حلقه اتصال دانشجویان به دانش و علی الخصوص مهارت باشد. این ابعاد ذکر شده، چارچوبی است که دانشجویان و





بررسی وضعیت تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته فلسفه و کلام اسلامی (حوزه الهیات) و نسبت آن با اشتغال دانش آموختگان

دکتر طاهره کمالی زاده

طرح، مدنظر این پژوهش است. پژوهش حاضر این مسئله را در سه محور کلی ذیل بررسی می نماید: محور اول: بررسی انتقادی تحولات تاریخی رشته «الهیات»؛ فلسفه و کلام اسلامی؛ محور دوم: بررسی انتقادی کمیّت و کیفیت برنامه های آموزشی و پژوهشی این رشته؛ محور سوم: بررسی و تحلیل وضعیت مهارت و اشتغال دانش آموختگان این رشته در طول سابقه این رشته در دانشگاه. در نهایت در این پژوهش پس از بررسی ابعاد سه گانه پیشین، راهکارهایی برای افزایش مهارت های دانش آموختگان رشته الهیات، فلسفه و کلام اسلامی و بهبود وضعیت اشتغال آنان ارائه خواهد شد. در این پژوهش گردآوری داده ها از رهگذر اسناد و مدارک آرشیوی، منابع کتابخانه ای و نیز مصاحبه و گفت و گو با متخصصان، صاحب نظران و دست اندر کاران فراهم می شود. شیوه پردازش داده ها نیز توصیفی و تبیینی خواهد بود.

ارزیابی مستمر امور و نسبت سنجی مداوم آنها در پیوند با وضعیت مطلوب موجب اصلاح، جرح و تعدیل و ارتقای آن امور خواهد شد. «الهیات» نیز آنگاه که به مثابه رشته علمی در ساحت آموزش در نهاد دانشگاه مورد بررسی قرار می گیرد از این قاعده مستثنی نیست. این ارزیابی البته مناظر و حیثیات مختلف دارد. بررسی تحولات تاریخی و انتقادی فعالیت های آموزشی پژوهشی رشته «الهیات، فلسفه و کلام اسلامی» در ایران معاصر از بدو تأسیس در مجموعه ای به عنوان «معقول و منقول» تاکنون، استخراج کارنامه آن از منظر تاثیرگذاری و کاربردی بودن برنامه های آموزشی، ارزیابی کارکرد دانش آموختگان آن از جهت مهارت و اشتغال مسئله اصلی این پژوهش است. به این منظور، بازنگری هدفمند، واقع بینانه و مستمر برنامه ها و کارکردهای آموزشی رشته دانشگاهی الهیات متناسب با نیازهای کشور به عنوان یکی از اهداف مهم





فرا تحلیل مجموعه طرح های طرح جامع اعتلاء

با موضوع مهارت و اشتغال دانشی
آموختگان علوم انسانی

نسبت تحصیل و مهارت و اشتغال در رشته های علوم انسانی (با عطف توجه به برنامه های درسی این رشته ها)

مجری طرح: دکتر عبدالرحمن حسنی فر

اجتماعی، بیگانه و دور مانده است. حاصل این روند چیزی جز ناکارایی برنامه های درسی در توسعه دانش و توانایی، مهارت و صلاحیت های ضروری دانشجویان نبوده است. در عکس العمل مفرط به این مشکل ملی طی چند سال گذشته و با غلبه اقتصاد نئوکلاسیک شکسته بسته بر فضاهای رسمی کشور (آن هم به نحو تناقض گون در ترکیبی ناساز از خصوصی گرایی و دولت گرایی)، شاهد واکنش افراطی در گفتمان اشتغال بودیم؛ به نحوی که حتی دانشگاه نیز چه بسا به کارخانه شغل سازی تقلیل پیدا کرد. گویی دانشگاه ماشینی است برای تولید و تکثیر دانش آموختگانی شاغل (آدم های

نسبت تحصیل و مهارت از یک طرف و تحصیل و اشتغال از جمله موضوعات قابل بررسی و تحلیل برای هر یک از رشته های علمی است. فهم از مهارت، تابع نیاز جامعه و شرایط زمانی و مکانی است و میزان اشتغال پذیری دانش آموختگان رشته های دانشگاهی نیز در وهله اول به توان مهارتی و کارآمدی آنها و در وهله دوم میزان نیاز جامعه بر اساس تعداد و همچنین فهم از نیاز کاری در هر رشته دارد. برنامه های آموزشی علوم انسانی در چهار دهه گذشته بر اثر غلبه الگوی متمرکز برنامه ریزی عرضه گرایانه و یک طرفه، شدیداً از نیازها و تقاضاهای واقعی جهان کار و زندگی



ورود فعال به بازار کار و جامعه نمایند. این موضوع که رشته های علوم انسانی (با عطف توجه به برنامه های درسی) از چه توان مهارتی برخوردارند و چه وضعیتی بر آنها برقرار است و اینکه چگونه می توان این ظرفیت مهارتی را در هر یک از رشته های علوم انسانی ارتقاء بخشید، موضوع مهم این طرح است. هدف اصلی چنین بررسی، توصیف تفصیلی و توضیح تحلیلی نسبتاً آسیب شناسانه نسبت موجود بین تحصیل دانش و مهارت در علوم انسانی و وضعیت اشتغال دانش آموختگان این رشته ها و ارائه راهکار در این حوزه با عطف توجه به نواقص و اشکالات در برنامه های درسی است.

در نظر داشتن هر گونه راهکار یا مدلی می تواند با لحاظ کردن استلزامات عمومی و خاص هر رشته باشد. بررسی منابع و پژوهش های صورت گرفته، مصاحبه و نشست های نخبگانی می تواند مبنای تهیه و طراحی چارچوب راهکارها و احیانا مدل پیشنهادی در این طرح باشد.

سازمانی)، اما حقیقت امر دیگر و دانشگاه برای غایتی دیگر است. البته در این میان از نسل دانش آموختگان دانشگاهی انتظار می رود به نحو شایسته ای شغلی بیابند یا حتی کارها و فرصت های تازه بیافرینند اما نباید فراموش کرد این تمام آن چیزی نیست که از دانشگاه و برنامه های آموزشی و پژوهشی علوم انسانی انتظار می رود. بخشی از نقش این علوم آن است که دانش آموختگانش بتوانند از حیث اشتغال پذیری و انجام کار موفق شوند، اما بخشی از علل ناکامی را می توان در ساختار اشتغال کشور و در ضعف نظام اقتصادی و فقدان دانش بنیان بودن آن جستجو کرد. بخش دیگر مشکلات را می توان در اختیارات گروه های دانشگاهی و دانشگاه ها برای تنظیم برنامه های آموزشی درسی و به طور خاص «محتوای درسی»؛ در مدیریت های دانشگاهی و حتی در فرهنگ دانشگاهی و دانش مهارت های لازم در اعضای هیأت علمی جستجو کرد... عواملی که حاصل اش کلاس ها، آموزش ها و پایان نامه هایی است که نمی توانند دانشجویان را از حیث دانش، نگرش و مهارت ها و شایستگی های لازم، آماده





طرح های آماده برای دریافت پیشنهاد انجام در موضوع

مهارت و اشتغال دانش آموختگان
رشته های علوم انسانی

بررسی و تحلیل وضع موجود رابطه تحصیل و مهارت دانشجویان در رشته های علوم انسانی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، آسیایی و مسلمان

موضوع بررسی کلان رابطه تحصیل در هر نوع و سطح آن با متغیر وابسته ی مهارت و ایجاد توانایی در افراد، یا بروز و شکوفایی استعداد و یا ارتقاء توانایی های فرد دوره دیده، از جمله مقولاتی است که در تمامی کشورها قابل طرح و بررسی است. عوامل گوناگونی چون سطح دانش و موضوع کارآمدی در عرصه های گوناگون سرزمینی یا به عبارتی میزان توسعه یافتگی و سطح پیشرفت هر یک از کشورها، مهمترین عامل موثر در این موضوع به حساب می آید و بر همین اساس برای بررسی و تحلیل از جمله مهمترین تجربیات کشورهای دیگر در مورد رابطه تحصیل و مهارت برای شناسایی وضعیت آنها میتواند مفید باشد. این طرح در همین راستا انجام می شود.

محورهای اصلی:

۱. رابطه علم و مهارت در هر رشته
۲. مهمترین دیدگاه ها و آراء و مفاهیم مرتبط با علم و مهارت در هر رشته
۳. رابطه علم و مهارت در برنامه آموزشی در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا)، آسیایی (با تاکید بر هند، چین، ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور، مالزی، اندونزی) و مسلمان (با تاکید بر کشورهای ترکیه، عربستان، پاکستان و...)



بررسی و تحلیل و اشتغال دانش آموختگان در رشته های علوم انسانی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، آسیایی و مسلمان

تجربیات کشورهای دیگر در مورد رابطه تحصیل و اشتغال دانش آموختگان برای شناسایی وضعیت آنها میتواند مفید باشد. این طرح در همین راستا انجام می شود.

محورهای اصلی:

۱. ویژگی های بازار تقاضا در کشورهای غربی، آسیایی و مسلمان بر اساس هر رشته در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی، آسیایی و مسلمان
۲. نیروی کار در هر رشته در انطباق با بازار تقاضا، اشتغال دانش آموختگان در هر رشته در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی، آسیایی و مسلمان
۳. تاثیر سیاست‌گذاریهای حوزه عمومی در اشتغال دانش آموختگان علوم انسانی و غیره در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی، آسیایی و مسلمان



بررسی مشاغل دانش آموختگان در رشته های علوم انسانی در کشورهای پیشرفته به ویژه اروپایی و آمریکای شمالی و غیره و امکان باز آفرینی آنها در ایران

تجربیات کشورهای دیگر در مورد اشتغال دانش آموختگان حوزه علوم انسانی در عرصه های گوناگون آن جوامع می تواند حاوی نتایج خوب و انتقال تجربیات مفیدی برای جامعه ایرانی باشد. این طرح در همین راستا انجام می شود.

محورهای اصلی:

۱. ویژگی های بازار تقاضا و عرصه های فعالیت در کشورهای پیشرفته بر اساس هر رشته
۲. ویژگی خاص هریک از فعالیت ها و چگونگی برقرار ارتباط بین دانش آموختگان و عرصه های فعالیت جدید و گاه ناهمگون با رشته های تحصیلی



